

رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی در قبال فرآیند آماده‌سازی شهود

بهزاد رضوی فرد*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

حسن فقیه محمدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰)

چکیده

در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی، در فرآیندی با عنوان آماده‌سازی شاهد، تحت تأثیر سنت حقوقی رایج در نظام کامن‌لا، به طرفی از اصحاب دعوا که شهادی را فراخوانده است، اجازه داده می‌شود که پیش از زمان ادای شهادت در دادگاه، جلساتی را با شاهد برگزار نموده و مفاد ادله وی را با او مرور نمایند. ایده تأسیس واحد بزه‌دیدگان و شهود، در نخستین پیشنهادات ارائه شده به کمیته مقدماتی مطرح شد. دیدگاه‌های متعارضی در باره این موضوع وجود داشت که آیا این واحد، صرفاً می‌بایست در دبیرخانه تأسیس شود و یا اینکه یک واحد مجزا نیز برای شهود در داسرا ایجاد گردد. در کنفرانس رم، دیدگاه غالب این بود که واحد بزه‌دیدگان و شهود به مجموعه دبیرخانه تعلق یابد، تا بتوان بی‌طرفی عملکرد آن را تضمین نمود. برخی از دولت‌ها، تأسیس چنین واحدی را خواستار شدند، اما مشخص نمودند که به کدام بخش از ساختار دیوان تعلق داشته باشد. تعداد کمی، نقشی را در خصوص حفاظت از شهود برای دادستان قائل شدند. در مقاله حاضر، موضوع آماده‌سازی شهود در پرتو مطالعه آراء صادره از دیوان کیفری بین‌المللی بررسی می‌گردد. قابلیت یا عدم قابلیت اجرای این فرآیند در دیوان با مطالعه رویکرد قضات آن نهاد، در دو رأی صادره در این زمینه آشکار خواهد گردید.

کلید واژه‌ها: شاهد، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، فرآیند آماده‌سازی شاهد، دیوان کیفری بین‌المللی.

مقدمه:

اظهارات شهود معرفی شده توسط شاکی یا دادستان نقش بسیار مهمی در اثبات اتهام دارد. از آنجا که ممکن است شاهد در بیان حقایق و پاسخ‌گویی به سؤالاتی که در دادگاه از او پرسیده می‌شود، دچار مشکل گردد و نتواند مطالب خود را به نحو مناسب بیان کند، طی فرآیندی که در نظام دادرسی اتهامی پیش بینی گردیده است، نماینده دادستان یا وکیل شاکی در خلال مرحله تحقیقات مقدماتی، جلسه یا جلساتی را به منظور آماده ساختن شاهد برای ادای شهادت در دادگاه برگزار می‌کند و در آن، دلایل شاهد مورد بررسی قرار می‌گیرد و وی با چگونگی طرح سؤالات در دادگاه آشنا می‌شود. هدف از این اقدام، افزایش تأثیر شهادت در اثبات جرم است (تیلور، ۱۳۸۹: ۳۹).

آماده‌سازی شهود (Witness Proofing) رویه‌ای مرسوم در برخی از نظام‌های دادگستری ملی، مخصوصاً در ایالات متحده امریکا است. شاید علت رواج این سنت در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، این امر باشد که ادله ارائه شده در طول محاکمه، پایه‌ای است که براساس آن، حقیقت یاب، آنچه رخ داده است را ارزیابی می‌کند، طریقه‌ای که با توسل به آن، این ادله اقامه می‌گردند، دارای اهمیت والایی است. قضات و اعضای هیأت منصفه، بدون مراجعه مستقیم به هر گونه پرونده یا سابقه تحقیقی، می‌توانند صرفاً براساس آنچه در جلسه دادگاه مشاهده و استماع می‌نمایند، در خصوص دعوای مطروحه تصمیم خود را اتخاذ کنند؛ و از آنجا که تصمیم در خصوص آن چه در جلسه دادگاه مشاهده و استماع خواهد شد، اساساً بر عهده طرفین دعوا است، آماده‌سازی مؤثر ارائه ادله یکی از مهمترین وظایف وکیل در نظام اتهامی است (Karemaker, 2008, p. 684).

دو رویکرد متفاوت نسبت به فرآیند آماده‌سازی شهود برای محاکمه وجود دارد. رویکرد اول، فرآیند آشناسازی است که بوسیله آن، شهود با سایر شرکت کنندگان در دادگاه و نقش ایشان، جایگاه شاهد در رسیدگی و نیز فرآیند ادای شهادت بطور کلی آشنا می‌گردند. در رویکرد دوم نسبت به فرآیند آماده‌سازی، به شاهد اجازه داده می‌شود که اظهارات پیشین خود را که به مأموران تحقیق دادگاه ارائه کرده است، مرور نماید تا حافظه وی عملکرد بهتری داشته باشد. ممکن است در طی این فرآیند به دادستان و یا طرف دیگر دعوا که شاهدی را دعوت کرده است، اجازه داده شود که سؤالاتی که در هنگام ادای شهادت در جلسه دادگاه از شاهد خواهد پرسید را، در طی جلسات آماده‌سازی به وی ارائه نماید.^۱

1.guid des victims criminel dans le system de tribunal penal, 05/12/2012;
<http://www.justice.gc.ca/fra/pi/cpcv-pcvi/guide/sech.html>

بحث منصفانه در خصوص آماده سازی شهود در دادگاه‌های کیفری بین المللی، نباید بدون اذعان به این امر صورت گیرد که دادگاه‌های کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون^۱، اساساً تحت تأثیر نظام ترافی کامن‌لای انگلوساکسونی بوده‌اند، نظامی که ریشه این رویه را در خود دارد (Karemaker, 2008: 684). دادگاه‌های کیفری بین المللی اختصاصی، قویاً از این رویه دفاع کرده و مدعی هستند که این روش، در اقامه مؤثر ادله یاری نموده و فرآیند حقیقت یابی را ارتقاء می دهد.

دیوان کیفری بین‌المللی همواره سعی نموده تا در خصوص شهود، پیرو عملکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی دیگر نباشد. از این رو دیوان، تلاش نمود که هر گونه شک و شبهه از امکان القای شهادت به شاهد را از فرآیند ادای شهادت در دیوان بزدايد و در راستای پایه‌گذاری رویه قضایی خاص خود قدم بردارد. اگرچه این امر اثرات جنبی غیرقابل اجتنابی را در پی داشته است و مسلماً خواهد داشت. فراهم نکردن فرصتی برای اینکه شاهد بتواند پیش از آغاز جلسه رسیدگی، مفاد شهادت خود را برای یک حقوقدان بیان نموده و با اطمینان خاطر بیشتری در جلسه حاضر شود، کیفیت ادای شهادت از جانب شهود دیوان را تقلیل خواه (Jordash, 2009: 507). در مقاله حاضر، موضوع آماده‌سازی شهود در پرتو مطالعه آراء صادره از دیوان کیفری بین‌المللی بررسی می‌گردد. قابلیت یا عدم قابلیت اجرای این فرآیند در دیوان با مطالعه رویکرد قضات آن نهاد، در دو رأی صادره در این زمینه آشکار خواهد گردید.

گفتار نخست: نخستین رویکرد به آماده‌سازی شهود در دیوان کیفری بین‌المللی

در جلسه رسیدگی مورخ ۲۶ اکتبر ۲۰۰۶ شعبه اول مقدماتی به ریاست کلود جوردا (Claude Jorda) و در پرونده دعوای دادستان علیه تامس لوبانگا دایلو (Thomas Lubanga Dyilo)، نخستین بار موضوع ادای شهادت یک شاهد در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح گردید و نماینده دادستان در آن جلسه، موضوع را بدین صورت طرح نمود که دادستان از تنها شهادتی که مقرر است در جلسه تأیید اتهامات لوبانگا فراخوانده شود، جهت آنچه که عرفاً از آن به عنوان آماده‌سازی یاد می‌شود، دعوت نموده است و مایل است جلسات آماده‌سازی را با این شاهد طی چند روز برگزار نماید. (Pre-trial Chamber I, 26 Oct 2006, pp. 10-11) چهار روز بعد، شعبه مقدماتی، از دادستان درخواست کرد که اقدامات ذیل را صورت دهد:

۱. ر.ک: رنجبریان، امیر حسین و ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه، دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفر مانی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۲۳ تا ۱۶۱.

(۱) در خصوص ماهیت آنچه که دادستان از عبارت «آماده‌سازی شاهد» منظور نظر دارد، و شرایط معینی که وی تحت آن مایل به اجرای این فرآیند است، به تفصیل شرحی ارائه دهد.

(۲) تا زمان اخذ تصمیم از جانب این شعبه، هیچ جلسه آماده‌سازی برگزار نگردد (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 2).

دادستان در پاسخ خود، ادعا نمود که آماده‌سازی شهود، رویه‌ای است که در سطح گسترده در حقوق کیفری بین‌المللی پذیرفته شده است و لذا درخواست کرد که شعبه مقدماتی به وی اجازه برگزاری این رویه را در خصوص شاهد مدنظر بدهد. دادستان همچنین تعهد نمود که در خصوص این موضوع، از قواعد مندرج در ماده ۷۰۵ مجموعه قواعد حرفه‌ای کانون وکلای انگلیس و ویلز پیروی خواهد کرد (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 5).

متعاقباً شعبه مقدماتی در ۸ نوامبر ۲۰۰۶، رأی خود را در این خصوص صادر کرد. شعبه مذکور در ابتدا به ماده ۲۱ اساسنامه رم^۱ استناد کرد که امکان اجرای اصول کلی حقوقی استخراج شده از قوانین ملی نظام‌های حقوقی جهان و نیز در صورت اقتضا، قوانین ملی دولتهایی که بر جرم مدنظر اعمال صلاحیت می‌کنند، را مقرر می‌دارد، البته به شرط آنکه این اصول سازگار با اساسنامه و ... باشد (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, paras. 7-9). قضات در ادامه تأکید کردند که عبارت «آماده‌سازی شاهد، در اساسنامه رم، آیین دادرسی و ادله (Rules of Procedure and Evidence) و مقررات دیوان (Regulations of The Court) یافت نمی‌شود» (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 11). شعبه پیش از آنکه وارد ماهیت این امر شود که آیا، رویه آماده‌سازی شاهد براساس ماده ۲۱ اساسنامه رم، مجاز است یا خیر، لازم دانست که ماهیت محتوای این رویه در متن فرآیند رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی را مد نظر قرار دهد (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 13).

۱. «(۱) دیوان اجرا خواهد کرد:

(a) در مرحله اول، این اساسنامه، [سند] عناصر جرایم، و آیین دادرسی و ادله خود؛

(b) در مرحله دوم، در صورت اقتضا، معاهدات قابل اجرا و اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، من جمله قواعد تثبیت شده حقوق بین‌الملل منازعات مسلحانه؛

(c) در غیر این صورت، اصول کلی حقوقی که توسط دیوان از قوانین ملی نظام‌های حقوقی جهان، استخراج شده باشد، از جمله، در صورت اقتضا، قوانین ملی دولی که بطور معمول، بر آن جنایت اعمال صلاحیت قضایی می‌کنند، به شرط آنکه آن اصول، ناسازگار با این اساسنامه و حقوق بین‌الملل و هنجارها و استانداردهای شناخته شده بین‌المللی نباشند.

(۲) دیوان می‌تواند قواعد و اصول حقوقی را آن گونه که در آراء قبلی خود تفسیر کرده است، به اجرا درآورد.

(۳) اعمال و تفسیر حقوق براساس آنچه در این ماده مقرر شده است، باید سازگار با حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی بوده و می‌بایست بدون هر نوع تبعیض سوء بر پایه دلایلی از قبیل جنسیت، به گونه‌ای که در ماده ۷، پاراگراف ۳ مقرر شده است، سن، نژاد، رنگ، زبان یا عقیده، نظر سیاسی یا غیرسیاسی، ریشه نژادی یا اجتماعی، ثروت، تولد یا سایر وضعیت‌ها باشد» (Rome Statute, 1998, article 21).

قضات شعبه، تعاریف و اظهارنظرهای دادستان در مورد این رویه را در دو دسته تقسیم بندی کردند: از یک طرف، دادستان این گونه توضیح داده بود که «رویه آماده سازی اجازه می دهد که به شاهد کمک شود تا با درک کامل از فرآیند رسیدگی دادگاه، شرکت کنندگان در آن و نقش های آنان، آزادانه و بدون ترس شهادت دهد. این هدف از طریق اقدامات ذیل که بخشی از رویه آماده سازی شهود است، حاصل می گردد:

(۱) فراهم کردن فرصتی برای شاهد جهت آشنایی با وکیل دعوای دادرسی و سایر کسانی که از شاهد در دادگاه سؤال خواهند پرسید؛

(۲) آشنا کردن شاهد با سالن دادگاه، مشارکت کنندگان در فرآیند رسیدگی و [نیز آشنایی با] فرآیند رسیدگی؛

(۳) اطمینان خاطر دادن به شاهد در خصوص نقش وی در فرآیند رسیدگی دادگاه؛

(۴) مباحثه در خصوص موضوعات مرتبط با امنیت و ایمنی شاهد، با هدف تبیین لزوم ارائه درخواست به دادگاه برای اقدامات حفاظتی؛

(۵) متذکر شدن این امر به شاهد که وی الزام قانونی اکید به بیان حقیقت در هنگام ادای شهادت دارد؛

(۶) توضیح فرآیند طرح سؤال اولیه، پرسش متقابل و پرسش مجدد»

(Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 14).

به عقیده قضات شعبه مقدماتی، «اولین جزء تعریف ... ارائه شده توسط دادستان، آماده کردن شاهد برای ادای شهادت شفاهی در برابر دیوان را هدف خود قرار داده است، با این منظور که از غافلگیری وی به علت ناآگاهی از فرآیند رسیدگی دیوان، اجتناب گردد» (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 15). همچنین به نظر قضات، «جزء دوم تعریف مذکور، دستیابی به اهداف ذیل را، همان طور که در گفته های دادستان مطرح شد، هدف خود قرار داده است:

(۱) آماده سازی، فرآیند یادآوری ذهن انسان را تسریع می بخشد. تعارضات موجود در یادآوری [وقایع] و یادآوری های بعدی [در فرآیند آماده سازی] می تواند پیش از ادای شهادت شاهد [در جلسه دادگاه]، مورد توجه و شناسایی قرار گیرد.

(۲) فرآیند آماده سازی، از طریق مقایسه اظهارات شاهد در طی رویه آماده سازی با محتویات اظهارات پیشین شاهد، اجازه می دهد که نقایص و تفاوت ها در یادآوری شاهد از [وقایع] احراز گردد....

(۳) آماده سازی به دادستان اجازه می دهد اطلاعات افزون تر و یا ادله اتهام زننده یا مبرا کننده را در زمان لازم پیش از ادای شهادت شاهد، به متهم افشا نماید، و لذا از این طریق از احتمال

غافلگیری متهم در هنگام ادای شهادت می‌کاهد (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 16) اهدافی که بیان گردید، از طریق سه اقدام ذیل که از نظر دادستان، مشمول تعریف رویه آماده‌سازی شاهد نیز می‌گردند، به دست خواهند آمد:

(۱) اجازه دادن به شاهد برای خواندن اظهاراتش و نیرو بخشیدن به حافظه خود در خصوص ادله-ای که اقامه خواهد کرد.

(۲) با تکیه بر اظهارات شاهد، وکیل دعوی دادسرا سؤالاتی را که قصد دارد در حین ادای شهادت [در جلسه دادگاه] و به ترتیب پیش بینی شده از شاهد بپرسد، به وی ارائه می‌نماید.

(۳) تفحص در خصوص اطلاعات افزون‌تر احتمالی که دارای ماهیت هم اتهام زننده و هم مبراکنده باشند» (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 17).

قضات سپس تلاش کردند تا قابلیت پذیرش اولین جزء تعریف این رویه را با عنایت به ماده ۲۱ اساسنامه، بررسی کنند. به نظر آنان، مقررات متعددی در اساسنامه و آیین دادرسی و ادله وجود دارند که بدون آنکه در قالب آماده‌سازی شاهد یا آشنا نمودن شاهد مطرح گردند، اقدامات مد نظر دادستان در اظهاراتش را در بر خواهند گرفت (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 20).

در این خصوص، شعبه مقدماتی به مواد (C)(۳) ۵۷^۱ و (۱) ۶۸^۲ اساسنامه و قواعد ۸۷ و ۸۸^۳ آیین دادرسی و ادله، استناد نمود (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 21). همچنین به ماده (۶) ۴۳^۴

۱. شعبه مقدماتی رسیدگی کننده به موجب این ماده اساسنامه، می‌تواند، در صورت لزوم برای حفاظت و حفظ حریم خصوصی بزه‌دیدگان و شهود تدارک ببیند (Rome Statute, 1998, article 57(3)(c)).

۲. «۱. دیوان تدابیر مقتضی برای حفاظت از ایمنی و سلامت جسمانی و روانی، شأن انسانی، و [حفظ] حریم خصوصی بزه‌دیدگان و شهود اتخاذ خواهد نمود. در انجام این امر، دیوان به تمامی عوامل مرتبط از جمله سن، جنسیت به گونه‌ای که در پاراگراف ۳ از ماده ۷ تعریف گشته است، و سلامتی و ماهیت جرم، به ویژه، البته بدون اینکه محدود به این موارد شود، درجایی که جرم ارتكابی مشتمل بر خشونت جنسی یا جنسیتی یا خشونت علیه اطفال بوده است، توجه خواهد نمود. دادستان، این گونه تدابیر را مخصوصاً طی مرحله تحقیق و تعقیب چنین جرایمی اتخاذ خواهد کرد. این تدابیر مضر یا ناسازگار با حقوق متهم و محاکمه منصفانه و بی طرفانه نخواهد بود» (Rome Statute, 1998, article 68(1)).

۳. «قاعده ۸۷. اقدامات حفاظتی

۱. شعبه، پیرو پیشنهاد دادستان یا وکیل متهم یا به تقاضای شاهد یا بزه دیده یا در صورت داشتن [نماینده]، [به تقاضای] نماینده حقوقی وی یا به ابتکار خود، و پس از مشاوره با واحد بزه دیدگان و شهود، در صورت اقتضاء، می‌تواند اقداماتی را در جهت حفاظت از بزه دیده، شاهد، یا شخص دیگری که به علت ادای شهادت از سوی شاهد، براساس پاراگراف‌های ۱ و ۲ ماده ۶۸، در مخاطره است، معمول نماید. شعبه در هر زمان ممکن، پیش از صدور دستور بر اقدام حفاظتی، در طلب کسب رضایت شخصی خواهد بود که اقدام حفاظتی برای او در نظر گرفته شده است.

۲. هر پیشنهاد یا تقاضا براساس بند ۱، باید در تطابق با قاعده ۱۳۴ باشد به شرط آنکه:

a) چنین پیشنهاد یا تقاضایی منحصرأ به درخواست یکی از طرفین ارائه نگردد.

- (b) تقاضای شاهد یا بزه دیده یا نماینده حقوقی وی، در صورت داشتن [نماینده]، به دادستان و وکیل مدافع متهم ارائه شود، که هر کدام از این دو حق پاسخ گویی دارند.
- (c) پیشنهاد یا تقاضایی که بر یک شاهد یا بزه دیده خاص تاثیر بگذارد، باید به آن شاهد یا بزه دیده یا نماینده حقوقی وی در صورت داشتن [نماینده]، اعلام شود، علاوه بر ابلاغ به طرف دیگر دعوا، که هر کدام از اینها فرصت پاسخ گویی خواهند داشت.
- (d) وقتی که شعبه به ابتکار خود عمل کند، اختاریه و فرصت پاسخ گویی به دادستان و وکیل متهم، و به هر شاهد یا بزه دیده یا نماینده حقوقی وی، در صورت داشتن [نماینده]، که بر اثر چنین اقدام حفاظتی تحت تاثیر قرار می گیرند، ابلاغ شود.
- (e) هر پیشنهاد یا تقاضایی که با مهر و موم ثبت شود، مهر و موم شده باقی بماند، مگر آنکه توسط شعبه دستور دیگری صادر گردد. پاسخ های ارائه شده به پیشنهادات یا تقاضاهای ثبت شده با مهر و موم، نیز مهر و موم شده ثبت گردند.
۳. شعبه می تواند براساس پیشنهاد یا تقاضا در تطابق با بند ۱، جلسه ای را به صورت غیر علنی، به منظور تعیین اینکه آیا اقداماتی برای اجتناب از آشکار ساختن هویت و محل یک بزه دیده، شاهد یا شخص دیگری که در اثر ادای شهادت از سوی شاهد، در مخاطره باشد، برگزار کند از جمله دستور دهد:
- (a) که نام بزه دیده یا شاهد یا شخص دیگری، که در اثر اقامه شهادت از سوی شاهد، در خطر قرار می گیرد، یا هر اطلاعاتی که ممکن است منجر به احراز هویت وی شود، از سوابق بایگانی عمومی شعبه، پاک شود.
- (b) دادستان، وکیل متهم، و یا هر شرکت کننده دیگر در فرآیند رسیدگی، از افشای اطلاعات [به شخص ثالث] امتناع نمایند.
- (c) اینکه شهادت از طریق [وسایل] الکترونیکی یا سایر روشهای خاص، من جمله استفاده از وسایل فنی تغییر دهنده چهره یا صدا، استفاده از فن آوری صوتی- تصویری، بویژه ویدئو کنفرانس و تلویزیون مدار بسته و استفاده انحصاری از رسانه های صوتی، ارائه شود.
- (d) اینکه اسم مستعاری برای بزه دیده، شاهد یا شخص دیگری که به علت ادای شهادت از سوی شاهد، در مخاطره قرار گرفته است، استفاده شود.
- (e) اینکه شعبه بخشی از فرآیند رسیدگی را به صورت غیر علنی برگزار نماید».
- قاعده ۸۸ نیز مقرر می دارد:
- «۱. شعبه می تواند بنا بر درخواست دادستان یا وکیل مدافع متهم یا بنا بر تقاضای شاهد یا بزه دیده یا نماینده حقوقی وی، در صورت داشتن [نماینده]، یا به ابتکار خود و پس از مشاوره با واحد بزه دیدگان و شهود، به گونه مقتضی، و با در نظر گرفتن دیدگاههای بزه دیده و شاهد، تدابیر ویژه البته بدون اینکه محدود به این موارد شود، همانند تدابیری برای تسهیل ادای شهادت بزه دیده یا شاهد آسیب دیده، طفل، شخص کهنسال و یا بزه دیده خشونت جنسی، براساس پاراگراف های ۱ و ۲ ماده ۶۸ را دستور دهد. شعبه در هر زمان ممکن، پیش از صدور دستور برچین اقدامی، در طلب کسب رضایت شخصی خواهد بود که اقدام ویژه برای او در نظر گرفته شده است.
۲. شعبه می تواند بنا بر پیشنهاد یا تقاضای مدنظر بند ۱، اگر لازم باشد به صورت غیر علنی یا منحصرأ به درخواست یک طرف دعوا، جلسه استماعی به منظور تصمیم گیری در خصوص این موضوع برگزار نماید که اقدام ویژه ای، البته بدون اینکه محدود به این موارد گردد، دال بر این موضوع صورت

اساسنامه نیز توجه کرد که تأسیس واحد بزه‌دیدگان و شهود را مد نظر داشته است. قضات شعبه با توجه به وظایف این واحد به موجب آیین دادرسی و ادله^۲ از جمله کمک به شهود هنگامی که برای ادای شهادت فراخوانده می‌شوند و همچنین توصیه به آنان در مورد چگونگی دریافت مشاوره حقوقی برای حفاظت از حقوق خود، بالاخص در مورد ادای شهادت (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 22)، اظهار نمودند:

«تمامی اقدامات مدنظر دادستان، با عنایت به مقرراتی از اساسنامه و آیین دادرسی و ادله که هم اینک ذکر گردید، نه تنها مجاز بوده، بلکه الزامی نیز هستند. علاوه بر آن، به عقیده‌ی شعبه، برچسب «آماده‌سازی شاهد»، مناسب با محتوای این رویه نبوده و عبارت «آشنا نمودن شاهد» در این زمینه مناسب‌تر است» (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 23). اضافه بر این، شعبه با استناد به مقررات مربوط به واحد بزه‌دیدگان و شهود، آن واحد را واجد صلاحیت برای اجرای رویه آشنا نمودن

گیرد که یک مشاور، نماینده حقوقی، روانپزشک یا یکی از اعضای خانواده، مجاز باشند که در طی ادای شهادت بزه‌دیده یا شاهد حضور یابند.

۳. برای پیشنهادها یا تقاضاهای بین طرفین که براساس این قاعده ثبت شده‌اند، مقررات بند ۲ از بخش (b) تا (d) قاعده ۸۷، با اعمال تغییرات لازم اجرا می‌شود.

۴. هر پیشنهاد یا تقاضایی براساس این قاعده می‌تواند با مهرو موم ثبت شود و اگر اینگونه ثبت شود، مهرو موم شده باقی می‌ماند مگر آنکه توسط شعبه دستور دیگری صادر گردد. هرگونه پاسخ به پیشنهادها یا تقاضاهای بین طرفین که با مهرو موم ثبت شده، مهر و موم شده باقی می‌ماند.

۵. شعبه با مدنظر قرار دادن این امر که نقض حریم خصوصی شاهد یا بزه‌دیده، می‌تواند امنیت او را در مخاطره قرار دهد، در کنترل چگونگی پرسش نمودن از شاهد یا بزه‌دیده برای اجتناب از هرگونه آزار و اذیت یا تهدید، با توجه خاص به حملات بر بزه‌دیدگان جرایم خشونت جنسی، مراقب خواهد بود» (Rules of Procedure and Evidence, 2002, rules 87-88).

۱. «مدیر دبیرخانه، واحد بزه‌دیدگان و شهود را در دبیرخانه تأسیس خواهد کرد. این واحد در مشورت با دادسرا، اقدامات حفاظتی و ترتیبات امنیتی، مشاوره حقوقی و سایر مساعدت‌های مناسب دیگر را برای شهود، بزه‌دیدگانی که در برابر دیوان حضور می‌یابند و سایر افرادی که به علت ادای شهادت از جانب این شهود در مخاطره قرار می‌گیرند، فراهم می‌آورد. این واحد متشکل از پرسنل دارای تخصص در صدمات روحی، من جمله صدمات روحی مربوط به جرایم خشونت جنسی خواهد بود» (Rome Statute, 1998, article 43(6)).

۲. استناد قضات شعبه مقدماتی از جمله به قاعده ۱۷ آیین دادرسی و ادله بود که در مقام بیان عملکردهای واحد بزه‌دیدگان و شهود، وظایف ذیل را، به عنوان مثال، بر عهده واحد مزبور نهاده است:

«... (۱) ارائه نصیحت به شهود برای بهره‌گیری از مشاوره حقوقی به منظور حفاظت از حقوقشان، بویژه در ارتباط با ادای شهادت ایشان؛

(۲) یاری‌رسانی به آنان هنگامی که برای ادای شهادت در برابر دیوان فراخوانده می‌شوند؛

(۳) اتخاذ تدابیری با رویکرد حساس نسبت به مسائل جنسی، جهت تسهیل نمودن ادای شهادت برای بزه‌دیدگان خشونت جنسی در تمامی مراحل فرآیند رسیدگی...» (Rules of Procedure and Evidence, 2002, rule 17).

شاهد دانست (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 24). در همین راستا، قضات، انتساب وظیفه آشنا نمودن شهود را به واحد بزه‌دیدگان و شهود در تطابق با این اصل حقوقی دانستند که «شهود جرم از متعلقات به دادستان و یا متهم نبوده و لذا نباید به عنوان شهود یکی از طرفین دعوا در نظر گرفته شوند، چرا که آنان شهود دیوان هستند» (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 26). قضات در خصوص عدم قابلیت پذیرش دومین جزء این رویه، اعلام کردند که اهداف و اقدامات مدنظر این جزء دوم، در اساسنامه، آیین دادرسی و ادله و مقررات دیوان گنجانده نشده‌اند. دادستان آماده‌سازی شاهد را، رویه‌ای دانسته بود که در سطح گسترده در حقوق کیفری بین‌المللی پذیرفته شده است. قضات شعبه از میان مثال‌هایی که دادستان در تأیید صحت ادعای خود از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی ارائه کرده بود، تنها یک مورد را پذیرفتند و آن نیز مربوط به پرونده لیماج^۱ بود که در

۱. شایان توجه است که تمسک به روش آماده سازی در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق معمول بوده و هرگز هیچ کدام از طرفین دعوی، متعرض آن نشدند، تا اینکه در نوامبر سال ۲۰۰۴ در دعوای دادستان علیه لیماج، موسلیو و بالا، هر سه متهم به فرآیند آماده سازی شهود توسط دادستان اعتراض کردند. در رأی مورخ ۱۰ دسامبر ۲۰۰۴ شعبه دوم بدوی با عنوان «تصمیم در خصوص درخواست وکیل متهم در مورد رویه آماده‌سازی شهود در دادسرا» برای نخستین بار، ماهیت این رویه مورد توجه قرار گرفت. در این رأی اشاره گردید که هر سه متهم، صدور دستور مبنی بر توقف آماده سازی شهود توسط دادستان و یا حضور یک نماینده از طرف وکیل متهمان برای شرکت در جلسات آماده‌سازی و یا ارائه نوار ضبط شده ویدئویی یا صوتی از جلسات آماده سازی به وکیل متهمان را خواستار شدند. وکیل متهمان در اعتراض خود عنوان نمود که «اساساً لزوم برگزاری جلسات آماده سازی از ناحیه دادستان بحث برانگیز است، چرا که شهود قبلاً اظهارات خود را یک یا چندین مرتبه به مأموران تحقیق بیان نموده بودند. « وکیل مزبور همچنین به اینکه چرا مشاور حقوقی دادسرا باید چند ساعتی را با شاهد پیش از ادای شهادت بگذراند، اعتراض نمود. وی همچنین ادعا کرد که آنچه که در حال انجام است، «می تواند بر منصفانه بودن محاکمه تأثیر بگذارد. توجه، خاصه به این مورد جلب می شود که سؤالات برجسته و اصلی پیش از ادای شهادت، از طرف دادسرا به شاهد ارائه گردد». البته وکیل ادعا نمود که منظور وی آن نیست که این مورد حقیقتاً رخ داده است، بلکه خطر چنین امری دور از ذهن نیست. همچنین به نظر وی، آماده سازی شاهد، به‌نوعی انجام وظیفه واحد بزه‌دیدگان و شهود را از جانب دادسرا نشان می دهد. در راستای اخذ تصمیم در این خصوص، قضات شعبه اعلام کردند که «در دعوای مطروحه در این دادگاه، من جمله دعوای حاضر، اهمیت دارد که [توجه داشته باشیم] وقایعی که اساس اتهامات [مندرج در کیفرخواست] قرار گرفته‌اند، سالها قبل اتفاق افتاده‌اند. مصاحبه های مأموران تحقیق نیز، مدتها قبل انجام شده است. فرآیند یادآوری ذهنی انسان، در این گونه شرایط بوسیله غربال گری جزئیات، طی آماده سازی ذهنی شاهد پیش از محاکمه تقویت می‌گردد... مخصوصاً آماده سازی بدین صورت، محتملاً ارائه ادله را بصورت دقیقتر، کاملتر، منظمتر و مؤثرتر در محاکمه، ممکن می‌سازد». قضات همچنین در ادامه اعلام داشتند که «آماده سازی تا حد بررسی جزئیات نقایص و تفاوتها در یادآوری وقایع پیش می‌رود، [تفاوتهایی] که در مقایسه با اظهارات پیشین شاهد دیده خواهد شد». همچنین قضات به تفاوت فرهنگی که از مسائل غیر قابل اجتناب این دادگاه در رویه کاری خود بود نیز، توجه داشتند: «زمانی که شهود به لاهه آورده شده و ملزم به ارائه و شرح جزئیات وقایع پراسترسی که مدتها قبل اتفاق افتاده بود، در یک فضای رسمی و در پاسخ به سؤالات دقیق و طبقه بندی شده در قالب ترجمه از زبانی بیگانه، می‌شوند، تفاوت‌های

آن صراحتاً این رویه مورد تأیید قرار گرفته بود (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, paras. 28-32)؛ اما در نظر قضات شعبه مقدماتی، رأی صادره از دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در آن پرونده، محتوای این رویه را بصورت تفصیلی بررسی و تفسیر ننموده است و قضات در نهایت، نظر دادستان در خصوص پذیرش گسترده این رویه در حقوق کیفری بین‌المللی را، فاقد پشتوانه حقوقی دانستند. شعبه مقدماتی، همچنین ادعای دادستان در خصوص اینکه رویه آماده‌سازی شهود، به علت ماهیت خاص جرایم مشمول صلاحیت نهادهای قضایی بین‌المللی، ویژگی خاص فرآیند رسیدگی در برابر این نهادها بوده را نیز، بدون پشتوانه حقوقی دانست (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, paras. 33-34).

در خصوص جزء دوم تعریف ارائه شده از سوی دادستان، شعبه مقدماتی اظهار داشت که در بسیاری از نظام‌های حقوقی کشورهای جهان از جمله برزیل، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، استرالیا و حتی در انگلیس و ویلز، این جزء دوم غیرقانونی یا غیراخلاقی خواهد بود، در حالی که در برخی نظام‌های حقوقی، مخصوصاً ایالات متحده آمریکا، رویه مد نظر دادستان دیوان، مقبول و حتی رویه-ای حرفه‌ای دانسته شده است و لذا در خصوص این موضوع بین کشورهای مختلف، اتفاق نظر وجود ندارد (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, paras. 36-37).

پیش از این اشاره شد که دادستان تعهد کرده بود که در اجرای رویه مورد بحث از قواعد مندرج در ماده ۷۰۵ مجموعه قواعد حرفه‌ای کانون وکلای انگلیس و ویلز، پیروی خواهد کرد. قضات شعبه مقدماتی، ضمن اشاره به متن ماده اخیرالذکر^۱، نظر خود را بدین صورت در مورد آن اشعار داشتند: «همان طور که کانون وکلای انگلستان و ویلز، در جدیدترین نسخه رهنمودهای خود در مورد آماده کردن شاهد توضیح داده است، ماده فوق‌الذکر نمی‌بایست بدون عنایت به رأی سال ۲۰۰۵ شعبه تجدید نظر در پرونده تجدیدنظرخواهی آر علیه مومودو (R.v Momodou)، در نظر گرفته شود. در آن پرونده، شعبه تجدیدنظر به تمایز مابین تعلیم شاهد و آشناسازی وی توجه نموده بود. به عقیده شعبه تجدیدنظر

فرهنگی که اکثر آنان در این دادگاه با آن مواجهند نیز، دارای اهمیت خواهد بود. این گونه عوامل نیاز به زمان دارند تا شاهد بتواند آماده گردد تا با استرس ناشی از این فرآیند رسیدگی کنار بیاید. از دید شعبه، این موضوعات کاملاً در حیطه آماده سازی قرار می‌گیرد و مقرر نیست که... به بخش بزه دیدگان و شهود، واگذار گردد». شعبه رسیدگی کننده همچنین ادعای اینکه دادرسی به شهودش تعلیم می‌داده است را با این استدلال رد نمود که «استانداردهای مشخص در مورد رفتار حرفه‌ای مشاوران حقوقی در هنگام آماده سازی شاهد، حاکم است». (ICTY Trial chamber II, 10 Dec 2004, pp. 1-3) و (تیلور، ۱۳۸۹، صص ۴۳-۴۱)

۱. باریستر [وکیل دادگستری] نباید: (a) شاهد را در خصوص ادله‌اش تمرین یا تعلیم دهد؛ (b) شاهد را به ارائه ادله‌ای که کذب بوده یا تمام حقیقت نباشد ترغیب کند؛ و (c) جز با رضایت نماینده طرف دعوا و یا دادگاه، در خصوص یک دعوی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم با یک شاهد، از زمان آغاز اقامه ادله تا زمان اتمام آن، ارتباط برقرار نماید؛ حال چه آن شاهد، موکل عامی شخص وکیل باشد چه نباشد. (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006: para. 38)

انگلیسی، تمرین دادن و تعلیم شهود در دادرسی کیفری، مجاز نخواهد بود، حتی اگر این رویه توسط شخصی صورت پذیرد که کاملاً از حقایق پرونده دور باشد» (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 39).
 قضات شعبه مقدماتی متذکر شدند که دادستان ادعا نموده که «هدف بخش دوم مدنظر از فرآیند آماده سازی، کشف و توجه به تعارضات و نقایص موجود در یادآوری شهود قبل از ادای شهادت می باشد، من جمله از طریق:

- (۱) اینکه به شاهد اجازه داده شود که اظهارات خود را بخواند؛
- (۲) حافظه اش را در خصوص ادله ای که در جلسه تأیید اتهامات اقامه خواهد کرد، تقویت کند؛
- (۳) همان سؤالات و با همان ترتیبی که در هنگام ادای شهادت از شاهد پرسیده خواهد شد، از وی پرسیده شود. به عقیده شعبه مقدماتی، این امر نقض مستقیم همان استانداردهای مطروحه در ماده ۷۰۵ مجموعه قواعد حرفه ای وکالت است که دادستان خود را متعهد به اجرای آن نموده بود» (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 40). به نظر قضات شعبه مقدماتی، بخش دوم از تعریف مدنظر دادستان از آماده سازی شهود، این قابلیت را ندارد که به عنوان اصل کلی حقوقی از نظام های حقوقی کشورهای جهان برداشت شود (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, para. 42).
 قضات در پایان به واحد بزه دیدگان و شهود دستور دادند که فرآیند آشناسازی شاهد را برای تنها شهادی که مقرر بود در جلسه تأیید اتهامات لوبانگا شهادت دهد، دو روز قبل از ادای شهادت توسط وی اجرا نمایند. آنان دادستان را نیز از هر گونه تماس با شاهد، خارج از جلسه دادگاه، منع نمودند (Pre-trial Chamber I, 8 Nov 2006, pp. 21-22).

دیدیم که قضات، شش رکن اولیه که دربردارنده شش اقدام عملی از سوی دادستان درخصوص آماده سازی شاهد بود را، نه تنها رد نکرده، بلکه اجرای آن را از جانب واحد بزه دیدگان و شهود ضروری دانستند. اما در نظر قضات، این شش اقدام، شکل دهنده فرآیند آماده سازی شاهد نبود، بلکه آن را آشناسازی شاهد نامیدند و با صدور دستور اجرای این اقدامات به واحد فوق الذکر، نشان دادند که حتی اجرای این حد ضروری از اقدامات در خصوص آشناسازی شاهد نباید توسط طرفی از دعوا صورت گیرد که قصد فراخواندن شاهد را داشته است. شعبه مقدماتی، در عین حال، سه رکن بعدی که در نظر دادستان، عناصر متشکله فرآیند آماده سازی شاهد بوده است را نپذیرفت، چرا که هیچ مستند قانونی، نه در اساسنامه و نه در آیین دادرسی و ادله دیوان، در خصوص این فرآیند یافت نمی گردد.

نکته مهمی که طرح آن ضروری بنظر می رسد، این موضوع است که علیرغم مخالفت قضات شعبه مقدماتی با ادعای دادستان مبنی بر پذیرش گسترده رویه آماده سازی در حقوق کیفری بین المللی، واقعیت این است که دادگاههای کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و دادگاه ویژه

سیرالئون، فرآیند آماده‌سازی شهود را در رویه قضایی خود پذیرفته‌اند. (تیلور، ۱۳۸۹، ص ۴۰، پانویس شماره ۵ و ص ۴۳، پانویس‌های شماره ۱۳ و ۱۵) در حالی که آن دادگاهها نیز همانند دیوان، هیچ صراحتی در قوانین موضوعه خود در مورد جواز اجرای فرآیند آماده‌سازی نداشتند. اگر چه باید اذعان نمود که دیوان در عین الهام گرفتن از ویژگی ترافیعی نظام اتهامی کامن‌لا، عناصر نظام تفتیشی را نیز در خود جای داده است، و به عبارت دیگر نظام حقوقی حاکم بر دیوان، نظام مختلطی است که فراتر از نظام اتهامی سنتی دادگاههای کیفری بین‌المللی اختصاصی، حرکت نموده است^۱، و این در حالی است که همانطور که در مقدمه اشاره شد، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی، اساساً تحت تأثیر نظام کامن‌لا بوده‌اند؛ لیکن باید توجه گردد که فرآیند ادای شهادت در دیوان، شباهت زیادی به رویه حاکم بر ادای شهادت در نظام حقوقی کامن‌لا دارد^۲ و لذا

۱. بزرگ‌ترین جلوه و نمود این حرکت دیوان، اعطای حق مشارکت به بزه‌دیدگان بوده است. پاراگراف سوم ماده ۶۸ اساسنامه رم، به امکان مشارکت بزه‌دیدگان در فرآیند رسیدگی دیوان اشاره می‌کند. این پاراگراف اشعار می‌دارد که زمانی که منافع شخصی بزه‌دیدگان تحت تأثیر قرار گیرد، آنان اجازه خواهند داشت که عقاید و نگرانی‌هایشان در مراحل از فرآیند رسیدگی که توسط دیوان مناسب تشخیص داده شود، ابراز شده و مدنظر قرار گیرد. دیوان، نخستین دادگاه کیفری بین‌المللی است که به بزه‌دیدگان حقوقی نوین جهت مشارکت در رسیدگی و نیز حق جبران خسارات وارده به آنان (بموجب ماده ۷۵ اساسنامه رم) را اعطا نموده است. پیشینیان این دیوان، یعنی دادگاههای کیفری بین‌المللی اختصاصی، حقوق خاصی برای بزه‌دیدگان قائل نبوده و جایگاهی فراتر از جایگاه شهود به آنان اختصاص ندادند. در کشورهای دارای نظام اتهامی سنتی، نقش بزه‌دیدگان در مقایسه با کشورهای دارای نظام رومی-ژرمنی بسیار محدود است و بزه‌دیدگان تنها می‌توانند به عنوان شهود در محاکمات کیفری مشارکت داشته و جبران خسارت شخصی خود را می‌بایست از طریق اقامه دعوی حقوقی پی‌گیری نمایند. اما، در دادگاههای کشورهای دارای نظام رومی-ژرمنی، بزه‌دیدگان اغلب به عنوان طرف ثالث و نه فقط شاهد در فرآیند رسیدگی مشارکت می‌نمایند. لذا دیوان با رویکرد خود در قبال بزه‌دیدگان، نظام مختلط را بر مقررات موضوعه و رسیدگی‌های خود حاکم نموده است.

۲. از جمله در این خصوص می‌توان به بند ۲ قاعده ۱۴۰ آیین دادرسی و ادله توجه نمود که به موضوع فرآیند طرح سؤال از شاهد اشاره دارد:

«۲. در تمام دعوی... از شاهد بدین طریق پرسش می‌شود:

(a) طرفی که ... ادله ای را از طریق یک شاهد ارائه می‌دهد، حق پرسش از آن شاهد را دارد.
(b) دادستان و وکیل متهم، حق پرسش از شاهد را در مورد موضوعات مربوط به شهادت شاهد و قابلیت اعتماد آن، اعتبار شاهد و دیگر مسائل مرتبط دارند.

(c) شعبه بدوی حق پرسش از شاهد را، قبل یا پس از آنکه وی توسط شرکت کنندگان [در رسیدگی] مورد اشاره در بند ۲ (a) یا (b) مورد سؤال قرار گیرد، دارد.

(d) وکیل متهم، حق دارد آخرین کسی باشد که از شاهد سؤال می‌پرسد»
(Rules of Procedure and Evidence, 2002, rule 140(2)).

تمایز قائل شدن مابین عملکرد دادگاههای کیفری بین المللی اختصاصی و عملکرد دیوان در خصوص فرآیند آماده سازی شاهد، توجیه ناپذیر می‌نماید.

موضوع دیگری که لازم است خاطر نشان گردد این است که در نظر دادستان دیوان، فرآیند آماده سازی، جدای از مرور اظهارات شاهد و کمک به وی در بازخوانی حافظه اش، مشتمل بر ارائه سؤالاتی خواهد بود که از وی در جلسه دادگاه توسط نماینده دادستان، پرسیده خواهد شد. این رویکرد دادستان در برخورد با مسئله آماده سازی شاهد، بسیار موسع به نظر می‌رسد و شاید به گونه‌ای القای شهادت به شاهد تلقی شود؛ چرا که متعاقب ارائه دقیق سؤالاتی که در آینده در جلسه دادگاه طرح خواهند شد، ممکن است پاسخ شاهد به سؤالات نیز مورد سنجش دادستان قرار گیرد و این گونه آماده سازی شاهد، برخلاف تعهد دیوان بر تضمین رعایت حق متهم به محاکمه منصفانه و بی طرفانه به نظر می‌رسد.

گفتار دوم: فرآیند آماده کردن و آشناسازی شهود از منظر قضات بدوی دیوان

بعد از صدور رأی از شعبه مقدماتی، شعبه اول بدوی، درخواستی از جانب دادستان در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۷ دریافت نمود که تقاضا می‌کرد رأی شعبه مقدماتی مورد بازنگری قرار گیرد. دادستان از جمله به تجویز و تصدیق اجرای فرآیند آماده سازی شهود در دادگاههای کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا^۱ توجه کرد و ادعا نمود که فرآیند مزبور در رویه قضایی دادگاههای کیفری بین المللی به وضوح پذیرفته شده است (Prosecution's submissions, 12 Sept 2007, paras. 18-23). دادستان ضمن اقرار به سکوت اساسنامه رم در خصوص موضوع آماده سازی، بیان نمود که اساسنامه «منعی کلی بر تماس با شاهد مقرر نموده است، اما در عوض این گونه تماس را از طریق سامان دهی جرایم مرتبط با مداخله در امر ادله و شهود، تنظیم کرده است. ممنوعیت‌های مورد بحث، که مشتمل بر تمامی تماس‌ها با شهود هستند، در مقررات ماده (۱) ۷۰ اساسنامه دیده می‌شوند. ماده ۷۰، جرایم

۱. مخالف شعبه مقدماتی با فرآیند آماده سازی، در دادگاه یوگسلاوی سابق و نیز در دادگاه رواندا، بازتاب یافت. در دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده دادستان علیه میلان میلوتینوویچ و سایرین (The prosecutor v Milan Milutinovic et al)، وکیل یکی از متهمان، درخواستی برای ممنوعیت آماده سازی شهود به شعبه بدوی تقدیم نمود. در دادگاه رواندا نیز در دعوی دادستان علیه کارمرا و دیگران (The prosecutor v Edouard Karemera et al). یکی از همدستان کارمرا، در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۶، یعنی پنج روز بعد از صدور حکم شعبه اول مقدماتی دیوان، به شعبه بدوی درخواستی فوری ارائه نمود که قضات، دادستان را از آماده سازی شهود منع کنند؛ لیکن در هیچ کدام از موارد، درخواست آنان مورد پذیرش قرار نگرفت (تیلور، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۴۶) و (Karemaker, 2008, pp. 689-691).

۲. «دیوان صلاحیت رسیدگی به جرایم ذیل علیه اجرای عدالت را، در صورتی که عمداً مورد ارتکاب قرار گیرند، دارد: (a) ادای شهادت کذب، درموردی که شاهد، براساس پاراگراف ۱ ماده ۶۹ تعهد کرده است که حقیقت را بیان نماید.

علیه اجرای عدالت، که مشمول صلاحیت دیوان قرار می‌گیرند، از جمله جرایم «به انحراف کشاندن شاهد و ممانعت یا مداخله در ادای شهادت وی» را برشمرده است. از وجود و ساختار ماده (۱) ۷۰، شعبه بدوی می‌تواند این معنا را بطور تلویحی استنباط کند که دیدارهای قبل از ادای شهادت یا همان آماده‌سازی، با یک شاهد و از ناحیه یکی از طرفین دعوا، از اساس ممنوع نبوده، بلکه [توسط اساسنامه]، به گونه‌ای سازمان‌دهی شده است که مداخله در امر شهادت و ادله را ممنوع نماید. در حقیقت، این ماده منعی بر تماس با شاهد پیش از ادای شهادت توسط طرفین دعوا در محاکمه وارد ننموده است» (Prosecution's submissions, 12 Sept 2007, para. 28).

دادستان همچنین خاطر نشان ساخت که «به علت تعهدات وی در ارتباط با تحقیق کارآمد و تعقیب جرایم، که در ماده (۱) ۵۴ مقرر شده است، دادسرا جایگاه منحصر و ویژه‌ای را در برگزاری فرآیند مصاحبه‌های آماده‌سازی برای شهودی که قصد فراخواندن آنان در جلسه محاکمه را دارد، به خود اختصاص داده است» (Prosecution's submissions, 12 Sept 2007, para. 31).

در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۷، شعبه اول بدوی رأی خود را صادر نمود و موضوع مطروحه در شعبه مقدماتی این بار در مرحله بدوی طرح گردید. قضات در ابتدا به بیان موادی از اساسنامه و نیز برخی از قواعد آیین دادرسی و ادله پرداختند که ظاهراً علیرغم عدم تصریح، ارتباط موضوعی با مبحث آشناسازی و آماده‌سازی شهود داشته‌اند. از جمله، مواد ۲۱، (۶) ۴۳، ۵۴، پاراگراف‌های اول و چهارم ماده ۶۸^۲ و (۱) ۷۰ اساسنامه و نیز قواعد ۱۷ و ۸۸ آیین دادرسی و ادله (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 5).

(b) ارائه ادله ای که شخص از کذب بودن یا جعلی بودن آن مطلع است.

(c) به انحراف کشاندن شاهد، ممانعت یا مداخله در حضور یا ادای شهادت شاهد، انتقام‌گیری از شاهد به خاطر ادای شهادت و یا نابود سازی، دست کاری یا مداخله در جمع‌آوری ادله...» (Rome Statute, 1998, article 70(1)).

۱. «۱. دادستان باید: (a) با هدف اثبات حقیقت، تحقیقات را تا سطح تحت پوشش قرار دادن تمامی حقایق و ادله مرتبط با برآورد این موضوع که آیا بر اساس این اساسنامه، مسئولیت کیفری برقرار است یا نه، گسترش داده و در انجام این امر، کیفیات اتهام زنده و کیفیات مخففه را بطور مساوی مورد تحقیق قرار دهد. (b) اقدامات مقتضی را به منظور تضمین تحقیق و تعقیب کارآمد جرایم مشمول صلاحیت دیوان اتخاذ کند و در انجام این امر، به منافع و اوضاع و احوال شخصی بزه‌دیدگان و شهود... احترام بگذارد...»

۳... دادستان می‌تواند:

(a) ادله را جمع‌آوری و بررسی کند.

(b) حضور و پرسش کردن از اشخاص تحت تعقیب، بزه‌دیدگان و شهود را درخواست کند (Rome Statute, 1998, article 54).

۲. «واحد بزه‌دیدگان و شهود می‌تواند به دادستان و دیوان در خصوص تدابیر حمایتی مناسب، ترتیبات امنیتی، مشاوره حقوقی و کمک‌رسانی [به بزه‌دیدگان و شهود]، به گونه‌ای که در پاراگراف ۶ از ماده ۴۳ مقرر گردیده، توصیه‌هایی بنماید» (Rome Statute, 1998, article 68(4)).

قضات شعبه بدوی در ادامه، به درخواست دادستان اشاره کرده و اشعار داشتند که نماینده دادستان نیز در دفاعیات شفاهی خود، ادعا نموده بود که این رویه، «در نظام قضایی داخلی کشورهایی مانند استرالیا، کانادا، انگلیس و ویلز و ایالات متحده یافت می‌شود. اگرچه وی تصدیق نمود که از این رویه همیشه با عنوان آماده‌سازی یاد نشده و چارچوبی که رویه مذکور دربرمی‌گیرد، در نظام‌های قضایی گوناگون متفاوت است» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 9).

پیش‌تر دیده بودیم که دادستان متعهد به رعایت ماده ۷۰۵ مجموعه قواعد حرفه‌ای کانون وکلای انگلیس و ویلز در اجرای فرآیند آماده‌سازی شده بود و در خصوص این موضوع، نماینده دادستان در جلسه استماع مرحله بدوی، اظهار نمود که «دادستان در هنگام اعلام این تعهد خود، این گونه برداشت نموده بود که رویه آماده‌سازی شهود در قانون انگلیس و ویلز مجاز دانسته شده است» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 10).

قضات در رأی خود به بخشی دیگر از اظهارات نماینده دادستان اشاره کردند که تأکید نموده بود که فرآیند پرسش و پاسخ از شاهد در جلسه آماده‌سازی، در حکم تمرین سؤالاتی که در دادگاه پرسیده می‌شود، نخواهد بود؛ اگرچه دادستان پذیرفته بود که این گونه سؤالات می‌توانند با سؤالاتی که در جلسه دادگاه مطرح خواهند شد، بصورت بالقوه اشتراکاتی داشته باشند. نماینده دادستان ادعا کرد که به منظور اجتناب از وقوع این مسئله، هیچ اظهار نظری از جانب دادسرا در خصوص پاسخ‌هایی که شاهد در طی جلسه آماده‌سازی می‌دهد، به وی ارائه نخواهد شد، و لذا شاهد نخواهد دانست که با اقامه ادله‌اش از پرونده دادستان حمایت خواهد کرد یا خیر» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 14).

می‌بینیم که دادستان از موضع قبلی خود مبنی بر آنکه آماده‌سازی شاهد، مستلزم ارائه دقیق و به ترتیب سؤالاتی که در حین پرسش از شاهد در جلسه دادگاه مطرح خواهد شد، و اینکه این امر یکی از عناصر اصلی رویه مورد بحث می‌باشد، عقب‌نشینی کرده است. دادستان این بار صراحتاً اشاره نمود که آماده‌سازی شاهد مستلزم ارائه سؤالات به وی نمی‌باشد و هر سؤالی که با شاهد تمرین می‌شود نیز، بدون ارائه عکس العمل از جانب نماینده دادسرا خواهد بود. بنابراین این گونه رفتار با شاهد، می‌تواند فرض هر گونه جهت‌دهی به ادله وی را منتفی سازد.

قضات همچنین به اظهارات و نظرات وکیل متهم در خصوص موضوع پرداخته و اشاره کردند که وی با رأی شعبه اول مقدماتی دال بر برگزاری فرآیند آشناسازی شهود از جانب واحد بزه دیدگان و شهود، موافق بوده و تأکید نموده که فرآیند آماده‌سازی نباید برگزار شود (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, paras. 17-18).

در ادامه قضات شعبه بدوی، در مقام اخذ تصمیم، همانند شعبه مقدماتی دیوان، فرآیند مورد بحث را به دو بخش آشناسازی و آماده‌سازی شاهد تقسیم نمودند. در نظر آنان، بخش اول، باعث اختلاف و منازعه بین طرفین دعوا نشده و همچنین در رأی شعبه اول مقدماتی مورد تأیید قرار

گرفته است. قضات شعبه بدوی ضمن اشاره به کارکردهای آشناسازی در منظر شعبه مقدماتی (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, paras. 29-30) اشعار داشتند که «بسیاری از شهودی که برای ادای شهادت به دیوان فراخوانده می‌شوند، ممکن است هرگز در هیچ دادگاهی حضور نیافته باشند. لذا، نمودار کلی دادگاه و رویه‌ها و فناوری‌های مورد بهره برداری در فرآیند رسیدگی دیوان، کاملاً برای آنان ناآشنا خواهد بود. بنابراین بازدید از سالن دادگاه و گذری بر کیفیات خاصی که شاهد در طی ادای شهادت با آن مواجه خواهد داشت، ضروری است، هم از این جهت که محیطی، تا حد امکان، مایه آسایش برای شهود فراهم شده و هم از این باب که ارائه کارآمد ادله از جانب آنان، امکان‌پذیر گردد». شعبه بدوی نتیجه‌گیری خود را از بحث آشناسازی شهود بدین صورت مورد تأکید قرار داد که «شهود، قابل انتساب به طرفین دعوی نیستند، بلکه در عوض آنان، شهود دیوان هستند. با این حال، شعبه بدوی می‌پذیرد که طرفی که قصد فراخوانی شاهد معینی را دارد، احتمالاً بینش بیشتری نسبت به زمینه و گذشته شاهد مذکور خواهد داشت که می‌تواند به نوبه خود واحد بزه‌دیدگان و شهود را در ایفای نقش خود طی فرآیند آشناسازی شاهد یاری نماید. در جهت این رویکرد، شعبه بدوی به واحد بزه‌دیدگان و شهود اجازه خواهد داد که با این هدف که فرآیند آشناسازی را به بهترین وجه صورت دهد، فعالیت خود را در مشورت با طرفی که شاهد را فرا خوانده است، به انجام رساند» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 31).

اما در خصوص آماده‌سازی شاهد، شعبه بدوی در پاسخ به استدلال کتبی دادستان در خصوص مواد ۵۴ و ۷۰ اساسنامه، اظهار داشت که «اگرچه ماده ۵۴ به دادستان اجازه پرسش از شهود را می‌دهد، هیچ مطلبی در متن [ماده مذکور]، این نظریه که جلسه آماده‌سازی مستقیماً پیش از ادای شهادت مجاز باشد را، تأیید نمی‌نماید. از نظر شعبه، این برداشت، قرائت ناصحیح اساسنامه است. علاوه بر این، این حقیقت که ماده ۷۰ صراحتاً برگزاری جلسه آماده‌سازی بین شاهد و یکی از طرفین دعوا را در فهرست جرایم علیه اجرای عدالت محسوب نکرده است، الزاماً به این معنا نیست که رویه مذکور مجاز باشد» (Ibid, para. 36). شعبه بدوی، همچنین در خصوص ادعای دادستان مبنی بر آنکه رویه آماده‌سازی شهود در نظام‌های قضایی بسیاری از کشورها پذیرفته شده است، اعلام نمود که «اصطلاحات و تعاریف متعددی که در سطح داخلی استفاده می‌شود، در کنار فقدان هر گونه رویه قضایی متحدالشکل، برآورد محدوده‌ای که آماده‌سازی شاهد به عنوان رویه تثبیت شده تلقی می‌گردد را، با دشواری روبرو کرده است» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, paras. 36&39).

شعبه بدوی در مخالفت با این امر که فرآیند آماده‌سازی شاهد به عنوان یک اصل کلی حقوقی قابل استنباط از نظام‌های قضایی جهان در تطابق با ماده ۲۱ اساسنامه است، اظهار نمود که مواردی که دادستان به عنوان نمونه‌ای از نظام‌های قضایی که آماده‌سازی را اجازه می‌دهند، ذکر کرده، مستقیماً ماهیت این

فرآیند را تبیین نمی‌کنند. شعبه «پس از مدنظر قرار دادن منابع موثق، دریافت که قواعد و کالتی نیوساوت ویلز در استرالیا (New South Wales Barrister's Rules' from Australia) و دستورالعمل خط مشی سلطنتی در خصوص شهود در کانادا (Crown Policy Manual - Witness' from Canada) (ببینید: Pradel Jean, Droi pénal comparé Dalloz, 1995, p. 413, N 301) ظاهراً از رویه برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با شاهد، مستقیماً پیش از ارائه ادله در دادگاه، حمایت کرده‌اند، اگرچه تعلیم دادن به شهود و ارائه پیشنهاد به آنان، مجاز نخواهد بود ... با اینکه این رویه در هر دو نظام حقوقی [فوق‌الذکر] که هر دو نیز بر پایه سنت‌های حقوقی کامن لا بنا نهاده شده‌اند، تا حدی پذیرفته شده است، این امر دلیل قانع کننده‌ای برای این نتیجه‌گیری که یک اصل کلی حقوقی بر پایه رویه تثبیت شده نظام‌های حقوقی داخلی وجود دارد، نخواهد بود» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, paras. 40-41).

همچنین در خصوص تعهد دادستان در پیروی از حقوق انگلیس و ویلز در آماده‌سازی شاهد، و ادعای مجاز بودن رویه مذکور در حقوق آن کشورها، شعبه بدوی که ریاست آن با آدریان فولفورد (Adrian Fulford) بود، که خود در انگلیس به قضاوت اشتغال دارد، اظهار نمود که «اگرچه رویه مقبول در انگلیس و ویلز به شاهد اجازه می‌دهد که فقط برای هدف محض نیرو بخشیدن به حافظه‌اش، بیانیه‌اش را پیش از ارائه ادله بخواند، این نظام قضایی، نه مکالمات ماهوی [در خصوص مفاد شهادت] بین دادستان یا وکیل متهم و شاهد را اجازه می‌دهد و نه هر نوع جلسه پرسش و پاسخ پیش از اقامه دلیل توسط شاهد را» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 42).

در خصوص موضع دادستان مبنی بر تأیید رویه آماده‌سازی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی، قضات شعبه بدوی ضمن پذیرش این ادعای دادستان اظهار داشتند که «رویه [قضایی دادگاه‌های اختصاصی] به هیچ وجه بر این شعبه بدوی در این دیوان حاکم نیست. ماده ۲۱ اساسنامه، شعبه را در ابتدا ملزم به پیروی از اساسنامه، [سند] عناصر جرایم و آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی می‌نماید. از این رو، اگر قوانین موضوعه دیوان، در خصوص موضوع در دست بررسی، صراحت نداشته باشد، شعبه بدوی باید در صورت اقتضا، اصول و قواعد حقوق بین‌الملل را اعمال نماید. در پرونده مدنظر، موضوع مطروحه، یک موضوع شکلی است، ... این شعبه قواعد شکلی و قضایی دادگاه‌های اختصاصی را قابل اعمال در دیوان بصورت خود به خود و بدون تحلیل توأم با جزئیات، نخواهد پذیرفت» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 44).

قضات شعبه بدوی، در تبیین تمایزات مقررات شکلی دیوان در مقایسه با دادگاه‌های بین‌المللی اختصاصی بیان داشتند که «اساسنامه دیوان، از طریق پیشرفت چشمگیر خود، چارچوبی شکلی [برای رسیدگی] طراحی نموده است که آشکارا از دادگاه‌های اختصاصی متفاوت است، به عنوان مثال، دادستان [دیوان] ملزم به تحقیق در خصوص ادله مبراکتنده در کنار ادله اتهام‌زننده است، که در این

خصوص اساسنامه و آیین دادرسی و ادله دادگاههای اختصاصی، حکمی ندارند. همچنین، اساسنامه رم علی‌الظاهر، اختیار مداخله بیشتری به قضات داده و نیز عنصر یگانه مشارکت بزه دیدگان را معرفی کرده است. لذا، اساسنامه از رژیم دادگاههای اختصاصی فاصله گرفته و عناصر افزون‌تر و نوظهور را با هدف یاری رسانی در فرآیند تبیین حقیقت ارائه می‌کند. بنابراین، رویه آماده‌سازی شهود پیش از محاکمه، به آسانی قابل انتقال به نظام حقوقی ایجاد شده توسط اساسنامه دیوان و آیین دادرسی و ادله نیست. از این رو، در عین اذعان به اهمیت بررسی رویه قضایی دادگاههای اختصاصی، این شعبه قانع نگردیده است که اعمال رویه دادگاههای مذکور، در زمینه آماده‌سازی شهود برای محاکمه، مناسب باشد» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 45). دادستان همچنین ادعا نموده بود که آماده‌سازی شاهد به شعبه بدوی جهت تبیین حقیقت کمک می‌کند، اما شعبه معتقد بود که اگرچه برخی از جنبه‌های جلسه آماده‌سازی می‌تواند بطور بالقوه به دیوان یاری نماید که به حقیقت دست یابد، بسیاری از جنبه‌های دیگر آن، صدمه زننده خواهند بود. در عین حال شعبه بدوی تأکید کرد که اجازه دادن به شاهد برای خواندن اظهارات پیشین خود، در ارائه کارآمد ادله یاری نموده و به شعبه بدوی برای اثبات حقیقت کمک خواهد کرد. شهود احتمالاً اظهارات اولیه خود را حدود یک سال یا بیشتر قبل از زمان ادای شهادت در دیوان ارائه کرده‌اند. شعبه بدوی آگاه است که برای ایشان دشوار خواهد بود که وقایع را با جزئیات دقیق و به ترتیبی که رخ داده بودند، به یاد آورند، مخصوصاً زمانی که این گونه وقایع، صدمات روحی بر آنان وارد نموده باشد. لذا کارآیی بیشتری از طریق ارائه اظهارات پیشین شاهد به وی، پیش از ادای شهادت، به این منظور که به یادآوری ذهنی او یاری شود، بدست خواهد آمد (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, paras. 47-50).

شعبه بدوی در ادامه، موضع نهایی خود را در خصوص درخواست بازنگری دادستان، بدین گونه بیان داشت:

«در خصوص مباحثه [با شاهد] درباره موضوعاتی که قرار است در جلسه دادگاه بدان پرداخته شود و ایضاً درباره هر گونه مدرکی که ممکن است در جلسه دادگاه به شاهد نشان داده شود، شعبه بدوی قانع نگردیده است که کارآمدی افزون‌تر [اقامه شهادت] و اثبات حقیقت از طریق این گونه اقدامات برآورده شود. بالعکس، این امر می‌تواند منجر به تحریف واقعیت شده و به طرز خطرناکی به تمرین کردن ادای شهادت در دادگاه نزدیک شود. اگرچه دادستان متعهد گردیده است که تمامی اقدامات لازم برای ایراد محدودیت بر هر گونه تمرین ادای شهادت در طی فرآیند آماده‌سازی را اتخاذ خواهد کرد، اما شعبه قانع نشده است که این اقدام عملاً قابل دستیابی باشد» (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 51).

قضات خاطر نشان ساختند که نقش فعالانه‌ای که به آنها در اساسنامه و آیین دادرسی و ادله اعطا گردیده است، کمک خواهد نمود که قربانی نشدن مجدد شهود از طریق ادای شهادتشان، در عین اجتناب

از هر گونه اعمال نفوذ و تأثیر ناروا بر شهود، تضمین شود (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, para. 52).
 قضات دستور دادند که واحد بزه دیدگان و شهود، رونوشتی از هر گونه اظهاراتی که شهود قبلاً ارائه کرده بودند را، با هدف احیای حافظه آنان، در دسترس ایشان قرار دهد. در پایان، قضات، رویه آماده سازی شاهد بدان گونه که از ناحیه دادستان توصیف شده بود را، ممنوع اعلام نمودند (Trial Chamber I, 30 Nov 2007, paras. 55&57).
 دیدیم که شعبه بدوی نیز با ارائه سؤالات به شهود مخالفت نموده و اجازه اجرای فرآیند آماده سازی را به دادستان نداد. البته رویکرد این شعبه در اذعان به رواج رویه آماده سازی در دادگاههای کیفری بین المللی اختصاصی و ارائه استدلال در خصوص عدم حاکمیت رویه قضایی آن دادگاهها بر شعبه بدوی رسیدگی کننده در دیوان، و نیز اجازه دسترسی شهود به اظهارات قبلی خود پیش از ادای شهادت در جلسه رسیدگی، نشان دهنده فاصله گرفتن این شعبه از مخالفت مطلق شعبه مقدماتی با فرآیند آماده سازی و اتخاذ رویکرد جامع در خصوص موضوع می باشد.

گفتار سوم: نمود منفی ممنوعیت آماده سازی شهود در شهادت نخستین شاهد در مرحله بدوی

نخستین بار که مسأله ادای شهادت در مرحله بدوی در دیوان مطرح گشت، در پرونده دعوای دادستان علیه لوبانگا بود که در جلسه استماع مورخ ۲۸ ژانویه ۲۰۰۹، شاهد که خود، حسب ادعا، از کودکانی بود که توسط ارتش لوبانگا اجباراً سربازگیری شده بودند^۱، وضعیت خود را تشریح نمود که جهت درک موضوع به قسمتهایی از آن اشاره می کنیم: بعد از اینکه شاهد سوگند را قرائت نمود، نماینده دادستان سؤالاتی در خصوص دوران مدرسه ابتدایی شاهد از وی پرسید:

«س: ... آیا شما سال پنجم مدرسه ابتدایی خود را به اتمام رساندید؟»

پ: ... نه من قادر به پایان سال پنجم نبودم.

س: شاهد، چرا قادر به پایان سال پنجم نبودید؟

پ: ... به خاطر اینکه در آن زمان جنگ اتفاق افتاد.»

«س: شاهد، چگونه [وقوع جنگ] بر اتمام تحصیلات شما تأثیر گذاشت؟»

پ: زمانی که جنگ آغاز شد... برخی دانش آموزان سربازگیری شده و به مکان دوردست فرستاده شدند (Trial Chamber I, 28 Jan 2009, p. 28).

۱. مبنای صدور قرار بازداشت برای تامس لوبانگا در شعبه اول مقدماتی دیوان در فوریه ۲۰۰۶، اتهام ثبت نام و سربازگیری از اطفال کمتر از ۱۵ سال و بهره گیری از آنان برای مشارکت فعالانه در درگیریها در جمهوری دموکراتیک کنگو بود (Pre-Trial Chamber I, 10 Feb 2006, p.4).

۲. در این متن، س، مخفف سؤال از جانب نماینده دادستان و پ مخفف پاسخ ارائه شده از جانب شاهد است.

... «س: ... شاهد، شما گفتید که با دوستانتان می‌رفتید که شما را گرفتند ... چه کسی شما را گرفت؟ چه کسی به سمت شما آمد، زمانی که شما و دوستانتان از مدرسه به خانه برمی‌گشتید، چه کسی در آن روز شما را به کمپ آموزشی برد؟

پ: سربازان یو پی سی.^۱

س: ... از کجا می‌دانید که آنان، سربازان یو پی سی بودند؟

پ: زیرا آنان یونیفرم‌های یو پی سی را داشته و سربازان تامس لوبانگا بودند ...»

(Trial Chamber I, 28 Jan 2009, p. 33).

تمامی سؤالات و پاسخ‌ها حاکی از آن بودند که شاهد، زمانی که همراه دوستانش از مدرسه به خانه بازمی‌گشته است، توسط نظامیان لوبانگا اجباراً به اردوگاه نظامی برده شده بود. اما در ادامه ناگهان شاهد اظهاراتش را تغییر داد.

... «س: شاهد، آیا شما با آن سربازان رفتید؟

پ: از آنجا که در برابر خداوند قسم خورده‌ام که حقیقت را، تمام حقیقت را بگویم، سؤال شما مرا در موقعیت سختی در حقیقت گویی قرار می‌دهد.

س: شاهد، من فقط می‌خواهم بدانم آیا شما با سربازان یو پی سی رفتید یا خیر...؟

پ: نه با آنها نرفتم» (Trial Chamber I, 28 Jan 2009, pp. 35-36). در ادامه جلسه، نماینده حقوقی بزه دیدگان^۲ از شاهد سؤال پرسیده و در ابتدا اظهارات او را در خصوص سربازگیری وی و دوستانش در راه مدرسه متذکر شد که شاهد تماماً آن را انکار کرده و حقیقت ندانست: نماینده حقوقی بزه دیدگان پرسید: «حقیقت از چه قرار است شاهد؟ ...»

پ: با تمامی احترامات لازم به رئیس [شعبه]، خواهم گفت که آنچه که تاکنون گفتم، چیزی نیست که اکنون می‌خواهم بگویم ... آنچه که گفته بودم از خودم نبود. حرف‌های شخص دیگری بود. آنها سه سال و نیم قبل به من یاد دادند. من این کار را دوست ندارم. من می‌خواهم حرف خودم را بزنم، چرا که در برابر خداوند و همه کسانی که اینجا هستند، سوگند خورده‌ام ... من در ایتوری (Ituri) بودم. تحصیلاتم را در رشته مکانیک تمام کرده بودم. یک سازمان غیردولتی که به کودکان آزار- دیده، کمک می‌کرد، آمد و کودکان را فراخواند. من و دوستانم رفتیم. آنها به ما قول پوشاک و

۱. این عبارت، مخفف Union Dos Patriotes Congolais به معنای اتحادیه کنگویی‌های میهن پرست می باشد که نام گروه شبه نظامیان متعلق به لوبانگا است.

2. Représentants des victimes

ببینید: رایجیان اصلی، مهرداد، تحول حقوق جهانی بزه دیدگان بر پایه اصل هم ترازوی حقوق بزه دیده و متهم در بستر د/درسی عادلانه، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، مجله حقوقی دادگستری، شماره های ۵۶ و ۵۷، سال هفتم، صفحات ۱۳۷ الی ۱۸۴. همچنین ببینید: «ارتباط دادگاه و بخش قربانیان و شهود» در: سادات اسدی، ۱۳۹۰: ۶۵۱-۶۵۰.

چیزهای دیگر را دادند و آدرس و مشخصات ما را یادداشت کردند. سپس من به خانه رفتم. آنها به من یاد دادند که چه بگویم» (Trial Chamber I, 28 Jan 2009, pp. 39-40).

از آنجا که شاهد مزبور اظهاراتش را کاملاً تغییر داد، فولفورد، رئیس شعبه بدوی، مستقیماً خود نیز از شاهد سؤال پرسید و به وی اظهارات اولیه‌اش را متذکر شد و از وی پرسش نمود که آیا آنها حقیقت بودند یا کذب و شاهد پاسخ داد که کذب بودند (Trial Chamber I, 28 Jan 2009, p. 40). دقایقی بعد، رئیس شعبه اعلام نمود که «تقاضای نماینده دادستان این است که ادای شهادت شاهد حاضر، تعلیق گردد تا آنها بتوانند متوجه شوند که چه چیزی در حین فرآیند رسیدگی امروز رخ داده است که شاهد را متزلزل و ناراحت کرده است، به گونه‌ای که او را مجبور به عدول از ادله‌ای که نماینده دادستان پیش بینی ارائه آن را می‌نمود، سازد» (Trial Chamber I, 28 Jan 2009, p. 45). به دنبال موافقت طرف دیگر دعوا، قضیه به آینده موکول شد.

مدتی بعد در جلسه رسیدگی مورخ ۱۰ فوریه همان سال در شعبه اول بدوی، شاهد مزبور، مجدداً در جایگاه شاهد قرار گرفت. به گفته فولفورد رئیس شعبه، در جلسه رسیدگی اخیرالذکر توافق شده بود که شاهد که او را بنام شاهد ۲۹۸ می‌خواندند، از آن پس نام دی‌یمرسی (Dieumerici) را در حین ادای شهادت داشته باشد. طبق اعلام رئیس شعبه، «این یک نام مستعار است که هیچ ظرفیتی برای افشای هویت حقیقی شاهد ندارد. [در جلسه کنونی] متهم نیز در دادگاه حضور دارد. او می‌تواند دی‌یمرسی را در صفحه مانیتور در برابر خود ببیند، اما در عین حال پرده‌ای تعبیه شده است که شاهد را از متهم جدا می‌سازد، به طوری که شاهد مجبور به نگاه کردن به لوپانگا در حین ادای شهادت نشود» (Trial Chamber I, 10 Feb 2009, p. 3).

رئیس شعبه در ابتدا، ضمن تذکر مسائل مرتبط با جلسه قبل به شاهد فرصت داد که حکایتش را آن گونه که می‌خواهد بگوید و شاهد اظهاراتی همانند اولین اظهارات خود را مطرح کرده و رپوده‌شدنش توسط نیروهای نظامی یو پی سی را تأیید نمود و زمانی که نماینده دادستان در خصوص ماجرای جلسه قبل و اختلال شاهد در ارائه ادله، از وی پرسش نمود، شاهد اظهار داشت: «مسائل زیادی از ذهنم گذشتند. عصبانی شده و قادر به ادای شهادت نبودم» (Trial Chamber I, 10 Feb 2009, pp. 3-5).

آنچه که از جریان اولین شهادت در مرحله بدوی در دیوان استنباط می‌شود، این است که اگر شعب دیوان اجازه اجرای فرآیند آماده سازی شاهد را به دادستان می‌دادند، مسلماً شاهد دو دفعه مجزا اظهارات خود را تغییر نمی‌داد. او خود قبول نمود که عصبانی بوده و افکار مختلفی از ذهنش می‌گذشتند، در حالی که در آماده سازی او می‌توانست اظهاراتش را در کنار نماینده دادستان مرور کند و با تمرکز ذهنی بیشتری در جلسه حاضر شود.

۱. منظور، مسئولین دادسرا است.

آماده‌سازی هم‌چنین کمک می‌نمود که وی بتواند شهادت خود را با کیفیت بهتری ارائه نماید. اگر فرآیند مذکور مجاز بود، نماینده دادستان می‌توانست به وی کمک کند تا بر ترس خود از متهم لوبانگا غلبه نماید. آنچه که دیدیم به احتمال زیاد، نشان‌دهنده این امر بود که در جلسه اول رسیدگی، شاهد ابتدا شروع به گفتن واقعیت کرده و سپس با توجه به حضور متهم و امکان مشاهده وی از ناحیه شاهد، ناگهان دچار چنان ترسی شد که علیرغم تأکید بر قسم در برابر خداوند، اقدام به گفتن اظهاراتی کرد که کاملاً کذب بودند، ولی در جلسه دوم رسیدگی، اظهارات ثانویه خود را بازپس گرفت.

نتیجه‌گیری:

موضع مضیق قضات دیوان کیفری بین‌المللی در ممنوعیت آماده‌سازی شاهد، زمان و هزینه بیشتری بر دیوان تحمیل خواهد کرد. هرچند اجرای فرآیند آشناسازی شاهد با ساختار کلی دادگاه و ... از جانب واحد بزه‌دیدگان و شهود مورد تأیید قضات قرار گرفته است، لیکن ماجرای ادای شهادت دی‌یمرسی به خوبی نشان می‌دهد که حداقل در خصوص شهود آسیب‌پذیر، همانند این شخص که در کودکی به اجبار سربازگیری شده بود، اجرای فرآیند آماده‌سازی در مفهوم موسع مدنظر دادستان، یعنی مرور ادله وی و حتی تمرین آنچه که مقرر بود شاهد در جلسه دادگاه اظهار کند- البته بدون ارائه دقیق سؤالات و سنجش پاسخ‌های شاهد- می‌توانست به چنین شخصی که مسلماً دچار مشکلات روحی بوده، بسیار کمک نماید. واحد بزه‌دیدگان و شهود تنها می‌تواند برای کسانی که جهت ادای شهادت به دیوان فراخوانده شده‌اند، برنامه‌هایی برای آشنایی با ماهیت رسیدگی قضایی در دیوان - به ویژه با توجه به اینکه اکثر شهود دعوت شده به دیوان، از طبقات محروم جوامع آفریقایی بوده‌اند - برگزار نماید. اما این واحد، با وجود اینکه اینک به شهود و بزه‌دیدگان کمک‌های روحی و روانی نیز ارائه می‌کند، نمی‌تواند به شاهد کمک کند که چگونه پس از حضور در جلسه دادگاه بر ترس خود از فضایی که در آن قرار گرفته، فائق آید و اظهارات خود را با اطمینان خاطر و با تمرکز بیان کند. به نظر نمی‌رسد دیوان در آینده نزدیک قصد داشته باشد از این موضع خود عقب‌نشینی کند، چرا که همان‌گونه که دیدیم قضات شعبه مقدماتی این مرجع، آن را نهادی با ماهیت کاملاً متفاوت از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی می‌دانند که فرآیند آماده‌سازی به طور مستمر و با اعتراض اندک در آن مراجع به اجرا درآمده است.

دیوان کیفری بین‌المللی تلاش کرده است در خصوص موضوعات مرتبط با شهود، تکرارکننده و مقلد عملکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی دیگر نباشد. دیوان با اعلام مخالفت صریح خود با اجرای این رویه، تلاش نمود که هر گونه شک و شبهه از امکان القای شهادت به شاهد را، از فرآیند ادای

شهادت در دیوان بزدايد و در راستای رویکرد دیوان در پایه‌گذاری رویه قضایی خاص خود، گام بردارد؛ اگرچه این امر اثرات جنبی غیرقابل‌اجتنابی را در پی داشته است و مسلماً خواهد داشت. فراهم نکردن فرصتی برای اینکه شاهد بتواند پیش از آغاز جلسه رسیدگی، مفاد شهادت خود را برای یک حقوقدان بیان نموده و با اطمینان خاطر بیشتری در جلسه حاضر شود، کیفیت ادای شهادت از جانب شهود دیوان را تقلیل خواهد داد.

علاوه بر این، اگرچه به شهود اجازه مطالعه اظهارات پیشین ایشان داده شده است، لیکن عدم آگاهی دادستان از مفاد اظهاراتی که شاهد در جلسه دادگاه بیان خواهد نمود، دادسرای دیوان را در موقعیتی قرار می‌دهد که وظیفه‌اش را در اتخاذ اقدامات لازم جهت تحقیق و تعقیب کار آمد با اختلال مواجه خواهد کرد. در صورتی که هر گونه شک و شبهه در القای شهادت شاهد و یا جهت دهی به اظهارات وی در طی برگزاری فرآیند آماده سازی، موجب نگرانی باشد، تضمینات مقرر در قوانین موضوعه دیوان، مخصوصاً قاعده ۱۴۰ آیین دادرسی و ادله که بر حق قضات شعبه و نیز بر حق هر یک از طرفین دعوا بر طرح سؤال از شاهد، تأکید نموده است و بطور خاص جهت رعایت حقوق متهم، صراحتاً و کیل وی را آخرین کسی دانسته است که از شاهد سؤال می‌پرسد، می‌تواند هر گونه نگرانی را رفع نموده و از ورود لطمه به حقوق متهم نیز جلوگیری نماید.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. تیلور، بی. دون (۱۳۸۹) آماده‌سازی شهود در حقوق بین الملل کیفری: آیا افزایش اختلافات شکلی در دادگاه‌های بین المللی کیفری مایه نگرانی است؟ ترجمه منصور فرخ سیری، **مجله حقوقی بین المللی (ویژه نامه)**
۲. رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۰) **حقوق بین الملل کیفری**، تهران: نشر میزان.
۳. _____ (۱۳۹۰) جایگاه ترمیم و جبران خسارت بزه دیدگان جنایات بین المللی، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۵.
۴. رنجبریان، امیر حسین و ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه (۱۳۸۹) دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفر مانی، **مجله حقوقی بین المللی**، شماره ۴۳.
۵. سادات اسدی، لیلیا (۱۳۹۰) دادگاه ویژه سیرالئون؛ تحولی در حمایت از بزه دیده، در مجموعه مقالات حقوق کیفری بین المللی... نسرين مهرا (زیر نظر)، تهران: نشر میزان.
۶. فقیه محمدی، حسن (۱۳۹۰) جایگاه بزه دیدگان و شهود در اسناد و رسیدگی های دیوان کیفری بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکزی.

۷. والین، لوک (۱۳۸۵) قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان، مترجمان: توکل حبیبزاده و مجتبی جعفری، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۳۴.
۸. ابراهیم گل (۱۳۸۶) علیرضا، ابعاد شهادت در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی، **مجله حقوقی حقوقی بین‌المللی**، شماره ۳۷.
۹. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۸۵) تحول حقوق جهانی بزه دیدگان برپایه اصل هم ترازی حقوق بزه- دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره های ۵۶ و ۵۷، سال هفتادم.
۱۰. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۵) **مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری**، تهران: نشر دادگستر.

ب. انگلیسی:

1. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia's Trial chamber II's decision on defense motion on prosecution practice of proofing witnesses, (in the case of The Prosecutor v Limaj, Musliu and Bala), 10 December 2004, available online at: <http://www.icty.org/x/cases/limaj/tdec/en/041210.pdf>
2. Jordash, Wayne, The practice of witness proofing in the international criminal tribunals: why The International Criminal Court should prohibit the practice, **Leiden Journal of International Law**, vol. 22, issue 03, September 2009, pp. 501-523
3. Karemaker, Ruben, Taylor III, B. Don, and Pittman, Thomas Wayde, Witness Proofing in International Criminal Tribunals: A Critical Analysis of Widening Procedural Divergence, **Leiden Journal of International Law**, Vol. 21, issue 03, September 2008, pp. 683-698
4. Pre-trial Chamber I's decision on the practices of witness familiarisation and witness proofing, 8 November 2006, in the case of The Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo, available online at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc243711.PDF>.
5. Prosecution's submissions regarding the subjects that require early determinations: procedures to be adopted for instructing expert witness, witness familiarization and witness proofing, 12 September 2007, available online at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc343768.pdf>.
6. Rome Statute of the International Criminal Court, UN Doc. A/ CONF. 183/9, 17 July 1998, available online at: <http://www.icccpi.int/Menus/ICC/Legal+Texts+and+Tools/Official+Journal/Rome+Statute.htm>
7. Rules of Procedure and Evidence, Doc ICC- ASP/ 1/3, September 2002, available online at: <http://www.icc-cpi.int/Menus/ICC/Legal+Texts+and+Tools/Official+Journal/Rules+of+Procedure+and+Evidence.htm>
8. Transcript of 10 February 2009 session, ICC- 01/04-01/06-T-123, in the case of The Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo, available online at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc973939.pdf>.
9. Transcript of 26 October 2006 session, ICC-01/04-01/06-T-26, in the case of The Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo, available online at:

- <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc216073.pdf>
10. Transcript of 28 January 2009 session, ICC-01-04-01-06-T-110, in the case of The Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo ,available online at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc976333.pdf>.
11. Trial Chamber I's decision regarding the practices used to prepare and familiarize witnesses for giving testimony at trial, 30 November 2007, in the case of The Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo, available online at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc371733.PDF>.
12. Warrant of arrest, issued by Pre- Trial Chamber I for Thomas Lubanga Dyilo , 10 February 2006, available online at: <http://www.icc-cpi.int/iccdocs/doc/doc191959.PDF>
- 13 . Pradel Jean, Droit pénal comparé Dalloz, 1995, N 301.
14. Koen, Vlassenrooter end Tim, Raey;akers, Le conflit en Ituri, Revieue L'Afrique des Grqnd Lces; Qnnuqire, 2002- 2003.

